

با توجه به همین جملات پایانی فکر می‌کنید در فیلم «صد» چه قدر توانسته‌اید در جلب رضایت مخاطبان طیف‌های مختلف موفق باشید؟ فکر می‌کنید «صد» در شخصیت پردازی چقدر موفق بوده است؟

اول بگویم که فیلم «فهرست شیندلر» قله است و من در دامنه در حال تلاش هستم. از سوی دیگر فیلم‌نامه «صد» متعلق به من نیست و به عنوان کارگردان فیلم‌نامه آماده‌ای را کار کردم اگرچه فیلم‌نامه بازنویسی شد و در این روند تغییر کرد. به گونه‌ای که فضای عاشقانه فیلم‌نامه اولیه پررنگ بود و در نسخه بازنویسی، غلبه بر فضای سیاسی بود. البته این را هم بگویم که بعد از فیلم «صد» تصمیم گرفتم که دیگر فیلمی را که فیلم‌نامه‌اش برای خودم نیست، نسازم زیرا معتقدم نمی‌شود یک خانواده ۲ پدر داشته باشد. اما درباره شخصیت‌پردازی «صد» می‌توانم این ادعا را داشته باشم که بین دوراهی عشق و سیاست ماندن شخصیت «سعید» در این فیلم کاملاً شکل گرفته و تردیدش به خوبی درآمده است.

شیوه انتخاب بازیگر چگونه بوده است. منتقدان معتقدند که برخی نقش‌ها کاملاً نشسته و برخی از بازیگران انتخاب مناسبی نبودند.

طبیعتاً اگر نقضی هست بر عهده من به عنوان کارگردان است. انتخاب بازیگران فیلم «صد» با تهیه‌کننده به صورت تعاملی انجام شد به غیر از مهدی نصرتی که شناخته شده نبود. من از روز اول اصرار داشتم که مهدی نصرتی کاراکتر اصلی را بازی کند. در نهایت آقای شفيعی گفتند که باید اتودی از یکی از سکانس‌های فیلم را ببیند. بعد ایشان یک سکانس را که روی آن مسلط شده بود، در مقابل آقای شفيعی اتود زد، ایشان پسندید و

بلافاصله با مهدی نصرتی قرارداد بست. برای انتخاب بازیگر به صورت تعاملی با آقای شفيعی گپ می‌زدیم و گزینه‌ها را انتخاب می‌کردیم ولی تصمیم گرفتیم برای شخصیت «ناصر» به سراغ بازیگری برویم که تا به حال نقش جدی ایفا نکرده است و به نوعی یک ساختارشکنی انجام دهیم. ما یک جلسه با آقای سلیمانی صحبت کردیم و ایشان از من پرسید که چرا من را انتخاب کردید؟ من معتقد هستم کسی که می‌تواند مردم را بخنداند خیلی توانا است و قطعاً می‌تواند نقش جدی را ایفا کند. بعد از جلسه آقای شفيعی از من پرسید که گفت‌وگو چگونه بود و من به ایشان گفتم آقای نادر سلیمانی مانند هندوانه در بسته ولی بازیگری بسیار توانا و با بزرگان تئاتر و سینما همکاری داشته است. ضمن اینکه آقای سلیمانی به من گفت ۴۰ سال است که دوست دارد یک نقش جدی ایفا کند. آقای سلیمانی فیلم‌نامه را خوانده بود و در جلسه اول متوجه شدم که ایشان دقیقاً شخصیتی را که من مدنظر داشتم، فهمیده است. ایشان چیزی که تصور من بود از متن دریافت کرد بدون اینکه کلامی با ایشان در

انتخاب بازیگران فیلم «صد» با تهیه‌کننده و به صورت تعاملی انجام شد به غیر از مهدی نصرتی که شناخته شده نبود. من از روز اول اصرار داشتم که مهدی نصرتی کاراکتر اصلی را بازی کند. در نهایت آقای شفيعی گفتند که باید اتودی از یکی از سکانس‌های فیلم را ببیند. بعد ایشان یک سکانس را که روی آن مسلط شده بود، در مقابل آقای شفيعی اتود زد، ایشان پسندید و بلافاصله با مهدی نصرتی قرارداد بست

میان گذاشته باشم. بعد از پایان آن جلسه به مهدی نصرتی گفتم که نادر سلیمانی با نقش «ناصر» می‌درخشد و این پیش‌بینی درست از آب درآمد.

نادر سلیمانی خیلی هم در نقش نشست و جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل را هم از جشنواره فجر گرفت.

معتقدم با مسیری که جلو آمدم، برایم باعث افتخار است کارگردانی هستم که بعد از ۴۰ سال به نادر سلیمانی اعتماد می‌کنم و نتیجه این اعتماد را هم دیدم. من تنها نباید به دنبال بالا کشیدن خودم از نردبان دیگران باشم بلکه وظیفه‌ام بالا کشیدن خودم، فیلم‌ام و ارتقای سینما است. باید بگویم که انحصار فساد می‌آورد. وقتی حداکثر ۴۰ تا ۵۰ بازیگر در سینمای ایران داریم که در تمام فیلم‌هایی که تولید می‌شوند، حضور دارند، وقتی رقابتی نباشد تا بازیگر برای رسیدن به نقش زحمتی متحمل

شود، وقتی دستمزد آنقدر بالا و خلاف عرف است، این روند باعث متضرر شدن سینما می‌شود. از این جهت است که می‌گوییم انحصار فساد می‌آورد. ما باید درها را باز کنیم تا سالانه چند بازیگر با استعداد و خوب وارد سینما شوند. وقتی رقابت ایجاد شود، سینما ارتقا پیدا می‌کند. ادعا می‌کنم که برخی از دوستان و همکاران آقای نادر سلیمانی با سیمرغ گرفتن ایشان خوشحال نشدند زیرا پایه‌های امنیت کاری‌شان را متزلزل می‌بینند.

آقای ربیعی فیلم «لباس شخصی» به عنوان اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند سینمایی به اکران نرسید. به عنوان یک کارگردان چگونه می‌توانید انگیزه ساخت و کارگردانی فیلم را در خود حفظ کنید؟

معتقدم هیچ فیلمی در قفس نمی‌ماند و روزی «لباس شخصی» هم اکران می‌شود. شاید شعار تصور شود ولی زیاد نگران نیستم زیرا وقتی انسان می‌خواهد روی پای خود بایستد باید هزینه آن را هم بپردازد. انسان در مبارزه و تحمل، بزرگ می‌شود. خیلی خوشحال هستم که فیلمی انقلابی ساختم که یک فرد یا نهاد انقلابی جلوی آن را گرفته است. متهم به سفارشی‌سازی می‌شوم ولی فیلمی را که در اوج ساختن توسط نهاد دیگری توقیف می‌شود. خوشحال هستم که برای خوشایند یا ناخشنودی هیچ فرد یا نهادی فیلم نمی‌سازم و مهم این است که نه برای پول و رفع بی‌کاری، فیلم نمی‌سازم. «لباس شخصی» یک مسیری را حتی بعد از خودش ایجاد کرده است. تمام بازیگران «لباس شخصی» تئاتری بودند و هیچ چهره‌ای در آن حضور نداشت ولی در تمام طول جشنواره حرف این فیلم بود. «لباس شخصی» در بخش فیلم‌اولی‌های جشنواره فیلم فجر بود ولی در سودای سیمرغ پذیرفته نشد و وقتی این اتفاق می‌افتد بازیگران و گروه دیده نمی‌شوند. در بخش فیلم‌اولی فقط یک جایزه بهترین فیلم وجود دارد که در آن سال کار سختی هم داشتیم زیرا فیلم‌های «شنای پروانه»، «روز صفر» و «پوست» هم حضور داشتند. آن فیلم‌ها به بخش سودای سیمرغ راه پیدا کردند اما برای «لباس شخصی» این اتفاق نیفتاد. یکی از اعضای هیأت انتخاب به من گفت ما بین انتخاب فیلم «لباس شخصی» و یک فیلم که دارای یک بازیگر چهره بود، برای حضور در بخش سودای سیمرغ مردد بودیم که ترجیح بر این شد تا آن فیلم و بازیگر چهره علیرغم این که همه هیأت انتخاب معتقد بودند «لباس شخصی» فیلم بهتری است، در بخش سودای سیمرغ حضور پیدا کند و بازی او مورد داوری قرار بگیرد زیرا برای جشنواره مهم است که بازیگران چهره مورد داوری قرار بگیرند.

برای کار آخرتان رویکردتان در خصوص گروه بازیگران چگونه است؟

همه بازیگران تئاتری هستند.

وضعیت ساخت فیلم سوم شما چگونه است؟

ربیعی: فیلم «احمد» به زلزله بم و نقش شهید احمد کاظمی به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه در امداد رسانی به زلزله‌زدگان، می‌پردازد. «احمد» خیلی متفاوت از «لباس شخصی» و «صد» است. موضوع اجتماعی است ولی به هر حال بی‌ربط به سیاست نیست. فرایند «لباس شخصی» برای «احمد» هم طی شده است. خودم فیلم‌نامه را نوشته‌ام، تهیه‌کننده، طراح صحنه و فیلم‌بردار هم از گروه «لباس شخصی» هستند.

